



## An Investigation into the Authenticity of the Chain of Transmission (Sanad), Text, Content, and Historical Attribution of the Saying Ascribed to the Prophet<sup>(PBUH)</sup>: "Die before you Die"

Seyyed Mohammad Javad Seyyedshobairi<sup>1</sup>

1. Corresponding Author, Professor of Advanced Studies at the Khorasan Islamic Seminary, Mashhad, Iran. Email: [smjssh.montazer@gmail.com](mailto:smjssh.montazer@gmail.com)

### Article Info

**Article type:**  
Review Article

**Article history:**

Received: 22 January 2025

Revised: 16 March 2025

Accepted: 13 May 2025

Available online 3 June 2025

**Keywords:**

Content Validation, Mystical Hadith, Spiritual Detachment, Voluntary Death, Indications and Evidence of Hadith's Issuance.



### ABSTRACT

The saying “موتوا قبل أن تموتوا” (Die before you Die) is a Mursal Hadith (Tradition with an incomplete chain of narration) which has primarily become famous among Gnostics ('Urafā'). It has served as the basis for the formation of the concept of “Voluntary Death” among them and has acquired a distinctive status in Islamic mystical literature. Despite this narration's attribution to the Prophet<sup>(PBUH)</sup>, some scholars contend that it is a Sufi fabrication. This study, conducted using an analytical method and a library-based approach, seeks to elucidate the issuance or non-issuance of this saying from the Messenger of God<sup>(PBUH)</sup>, based on the principles of Hadith comprehension and criticism. While undertaking a content analysis and apprehending the intent and interpretations of this Tradition, the author is positioned to demonstrate the following conclusion: Although the general tenor of the debated Narrations acceptable and consistent with Qur'anic and narrative teachings, source-critical examinations, content analyses, historical evaluations, and the appearance of signs of distortion (taḥrīf) and textual corruption (taṣḥīf) within its text raise serious doubt regarding the authenticity, and even the very status as a Hadith, of this saying.

**Cite this article:** Seyyedshobairi, S., M., J. (2024) An Investigation into the Authenticity of the Chain of Transmission (Sanad), Text, Content, and Historical Attribution of the Saying Ascribed to the Prophet<sup>(PBUH)</sup>: "Die before you Die". *Hadith Doctrines*, 8(15), 149-172. <https://doi.org/10.30513/hd.2025.6723.1246>



© The Author(s).

Publisher: Razavi University of Islamic Sciences.



## کاربست تطبیقی اعتبارسنجی سندی، متنی، محتوایی و تاریخی در عبارت منسوب به پیامبر (ص): «موتوا قبل أن تموتوا»

سید محمدجواد سیدشیری<sup>۱</sup>  ID

۱. نویسنده مسئول، استاد سطوح عالی حوزه علمیه خراسان، مشهد، ایران. رایانامه: smjssh.montazer@gmail.com

### چکیده

### اطلاعات مقاله

عبارت «موتوا قبل أن تموتوا» حدیث مرسلی است که بیشتر نزد عارفان شهرت یافته و مستند آن‌ها در شکل‌گیری مفهوم «مرگ ارادی» گردیده و در ادبیات عرفانی اسلامی دارای جایگاه ویژه‌ای شده است. به‌رغم انتساب این روایت به رسول خدا (ص)، برخی معتقدند ساخته صوفیه است. در این پژوهش که با روش تحلیلی و شیوه کتابخانه‌ای صورت گرفته، تلاش شده است بر مبنای قواعد فهم و نقد حدیث، صدور یا عدم صدور این عبارت از رسول خدا (ص) روشن گردد. نگارنده ضمن تحلیل محتوا و فهم مراد و تفاسیر از این حدیث، در مقام اثبات این نتیجه است که گرچه کلیت متن روایت مورد بحث، پذیرفتنی است و با معارف قرآنی و روایی سازگاری دارد، اما بررسی‌های منبع‌شناسانه، واکاوی‌های محتوایی، تحلیل‌های تاریخی و نیز بروز نشانه‌های تحریف و تصحیف در متن آن، در اعتبار و حتی در حدیث بودن این عبارت تردید جدی ایجاد می‌کند.

نوع مقاله: ترویجی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۳

تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۳/۱۳

کلیدواژه‌ها:

اعتبارسنجی محتوایی، حدیث عرفانی، تجرید روح، مرگ ارادی، قراین و شواهد صدور.



استناد: سیدشیری، سید محمدجواد. (۱۴۰۳). کاربرد تطبیقی اعتبارسنجی سندی، متنی، محتوایی و تاریخی در عبارت منسوب به پیامبر (ص): «موتوا قبل أن تموتوا». آموزه‌های حدیثی، ۸(۱۵)، ۱۴۹-۱۷۲. <https://doi.org/10.30513/hd.2025.6723.1246>  
ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی. © نویسندگان.



## مقدمه

حدیث «موتوا قبل أن تموتوا» یکی از مستندات روایی محدثان، مفسران و به‌ویژه عارفان در بحث موت اختیاری است. بنابراین در متون اخلاقی و عرفانی (قیصری، ۱۳۷۵، ص ۵۳۴؛ فناری، ۱۳۷۴، ص ۲۴۸؛ نسفی، ۱۳۶۳، ص ۱۳۰)، تفسیری (کاشانی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۱۶۹۱؛ سبزواری، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۸۵) و گاه در کتاب‌های فلسفی (شیرازی، ۱۳۵۴، ص ۴۲۲) و حتی لغوی (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۹، ص ۱۴۷) و ادبی (ختمی لاهوری، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۶۶)<sup>۱</sup> این عبارت به چشم می‌خورد.

این حدیث به حوزه شعر نیز راه یافته و شاعران بسیاری در اشعار خود از آن بهره برده‌اند (نک: فیض کاشانی، ۱۳۸۰، ص ۲۳۷؛ سنایی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۶؛ فضولی بغدادی، بی‌تا، ص ۱۵۱؛ لاهیجی، ۱۳۷۱، ص ۳۵۲)؛ همچنین این مضمون شاید متأثر از مولوی، در اشعار گوته، شاعر آلمانی، نیز راه یافته است (نک: زرین کوب، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۸۹۸) و حتی در شرح آن، تألیف مستقل نیز نوشته شده است. (نک: بغدادی، ۱۹۵۱، ج ۱۱، ص ۱۱۵؛ کحاله، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۳۹۷).<sup>۲</sup>

**پرسش پژوهش:** سؤال این جاست که با توجه به عدم وجود این عبارت در منابع روایی اصیل، آیا تلقی نویسندگان و شاعران مذکور از آن با عنوان «حدیث»، صحیح است یا خیر؟ در این نوشتار برآنیم با تکیه بر قواعد فهم و نقد حدیث و نیز ارزیابی تاریخی، میزان اعتبار این روایت نبوی را که به‌رغم شهرت و کاربرد فراوان، هیچ سندی برای آن ذکر نشده است بررسی کنیم.

**پیشینه پژوهش:** پژوهش‌های انتقادی در این‌گونه احادیث دارای سابقه است و به‌صورت جزئی پیش از این، مقاله‌ای با عنوان «اعتبارسنجی حدیث موتوا قبل أن تموتوا» درباره این حدیث‌واره نوشته شده است (زاهدی‌فر، ۱۳۹۸)، اما نوشته مزبور از یک سو، از نظر فحوص، کاستی بسیار دارد و از سوی دیگر، نکات متعددی از آن قابل نقد است که در طول نوشتار حاضر به آن‌ها اشاره می‌شود. در مجموع، پژوهش

۱. شرح غزل ۴۲۳: به مژده جان به صبا داد شمع در نفسی / ز شمع روی تو آش چون رسید به پروانه

۲. «میرمحمد فائق الاسترومجه وی» عارفی رومی است که در زمینه عقاید اسلامی تألیفات متعدد دارد، از جمله، «شرح حدیث موتوا قبل أن تموتوا».

حاضر روشی ابتکاری و جامع را ارائه می‌دهد که از توجه به مجموع ضابطه‌های نسخه‌شناسی، سندی، متنی، تاریخی، محتوایی، تفسیری و معیارهای مضمونی حاصل می‌شود که در هیچ یک از پژوهش‌های مشابه در انتقاد احادیث مورد توجه نبوده است.

### ۱. بررسی منابع و اسانید روایت در متون حدیثی شیعه

روایت مرگ اختیاری در هیچ یک از منابع حدیثی معتبر و متقدم شیعی ثبت نشده است. در آثار متأخر نیز این حدیث با عباراتی چون «ما زوی عنه»، «فی الحدیث»، «فی الحدیث المشهور» و گاه با تعبیر «کما قیل» نقل گردیده و در هیچ کدام از آنها سندی برایش ذکر نشده است. در برخی از این متون، این سخن به امام علی (ع) منسوب است، اما این انتساب فاقد پشتوانه سندی قابل اعتماد است (عبدالوهاب، ۱۳۹۰، ص ۷؛ گیلانی، ۱۳۷۷، ص ۵، ۴۶۵، ۵۹۱؛ ابن ابی‌جمهور، ۱۳۸۷، ص ۲۲۸، ۴۰۸) و در بعضی از آثار نیز بدون اسناد به معصوم (ع)، از آن یاد شده است (بیهقی نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۵۰؛ طوسی، ۱۳۳۵، ص ۱۶). برخی شارحان کتب حدیثی نیز در موارد متعدد، به این حدیث استشهاد کرده‌اند (شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۳۵۹؛ مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۶، ص ۱۳۷).

### ۲. بررسی متن شناختی و سیر تطور تاریخی نقل روایت در منابع کهن حدیث

#### اهل تسنن

همچنین حدیث مورد بحث با این عبارت در هیچ یک از کتب حدیثی متقدم اهل تسنن نیامده است. به نظر می‌رسد از میان منابع اهل سنت، قدیمی‌ترین کتاب که این روایت را نقل کرده است، «العرف العاطر فی معرفة الخواطر و غیرها من الجواهر» در ضمن مجموعه «تقسیم الخواطر» نوشته روزبهان بقلی (م. ۶۰۶ق) باشد (بقلی شیرازی، ۱۴۲۸، ص ۲۰۹).

البته قبل از او ظاهراً ابن‌ودعان (م. ۴۹۴ق)، نخستین بار روایتی مشابه عبارت این حدیث را به صورت «توبوا قبل أن تموتوا وبادروا...» آورده (ابن‌ودعان، مخطوط، ص ۴) که احتمالاً متأثر از او بوده است (غزالی، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۴)، هرچند قبل‌تر از این‌ها، صورت مفصل‌تری از آن حدیث مشابه به صورت «توبوا إلى الله قبل أن تموتوا وبادروا...» یا «توبوا إلى ربکم قبل أن تموتوا وبادروا...» وجود داشته که پیش از همه در رساله

المسترشدین محاسبی (م. ۲۴۳ق) (محاسبی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۲) و منتخب مسند عبد بن حمید (م. ۲۴۹ق) دیده می‌شود (الکسی، ۱۴۰۸، ص ۳۴۴) و پس از آن، به کتاب‌هایی مانند سنن ابن ماجه (م. ۲۷۳ق) (ابن ماجه، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۴۳)، مسند ابی یعلی (م. ۳۰۷ق) (الموصلی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۳۸۲) و مسند عمر بن عبدالعزیز (م. ۳۱۲ق) (ابن باغندی، ۱۴۰۴، ص ۱۷۲) راه یافته است.

### ۳. داوری حدیث‌شناسان شیعه درباره اصالت، شهرت، اعتبار و تطور متن حدیث

در این بخش، مواردی از ارزیابی‌های حدیث‌شناسان شیعی درباره این روایت را بررسی می‌کنیم که عمدتاً بر سه محور تأکید دارند: الف. توجه به ارسال؛ ب. فقدان سند حدیث؛ ج. حکم به موضوع بودن آن.

بعضی بیان داشته‌اند: «این جمله در کتب اهل عرفان به عنوان حدیث مشهور شده است و بعضی از محدثان آن را به رسول خدا (ص) نسبت داده‌اند، اما به صورت مسند در جوامع روایی وارد نشده است» (سبزواری، ۱۴۲۱، ص ۱۷۹). گروهی بر این باورند که صوفیان این جمله را حدیث می‌پندارند (گوهرین، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۳۶۷). بعضی از آن با عنوان عبارت «حدیث گونه» نام برده (زرین کوب، ۱۳۶۴، ص ۱۹۸) و برخی دیگر آن را به حکمای صوفی مشرب اسناد داده‌اند (غیائی کرمانی، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۷). بعضی از پژوهشگران عرصه حدیث نیز بر این باورند که اصل حدیث، «توبوا إلى الله قبل أن تموتوا» بوده و عرفاً آن را به شکل «موتوا قبل أن تموتوا» درآورده‌اند (زاهدی‌فر، ۱۳۹۸، ص ۲۲۹).

### ۴. داوری حدیث‌شناسان اهل تسنن درباره صحت و ضعف حدیث

ابن حجر عسقلانی، از حدیث‌شناسان برجسته اهل سنت، درباره این روایت می‌نویسد: «هو غیر ثابت» (ابن حجر، ۱۹۹۷، ج ۱، ص ۹۸). همچنین عجلونی (بی‌تا، ج ۲، ص ۲۹۱) در کشف الخفاء از قاری چنین نقل کرده است: «هو من کلام الصوفیة». برخی دیگر از نویسندگان عامه، این حدیث را در کتب متعددی که در باب احادیث موضوعه نوشته شده‌اند، آورده و غالباً بدون هیچ گونه اظهار نظری، سخن ابن حجر را نقل کرده‌اند (قاوقجی، ۱۳۳۱، ج ۱، ص ۲۰۴؛ هروی قاری، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۹۸؛ مالکی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۲۵).

البته تعبیر ابن حجر عسقلانی به «غیر ثابت»، گرچه به معنای نسبت وضع نیست، ولی به یقین از ضعف حکایت می‌کند (نک: رفیعی، ۱۳۸۴، ص ۲۶۵). همچنین نسبت به نقل عجلونی باید توجه داشت که امروزه از دید حدیث پژوهان، در جعل برخی احادیث از سوی جاهلان از اهل تصوف شکی وجود ندارد (رفیعی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۸) و در صورتی که کلامی با عنوان «حدیث» مشهور شده و به سخنان صوفیه شبیه باشد، ولی در منابع اصیل حدیثی وجود نداشته باشد و فقط در کلمات اهل تصوف رونق داشته باشد، بدون شک، ظن به وضع آن حاصل می‌شود. اما در این مسیر باید نهایت دقت و حوصله به کار گرفته شود تا بدون فحص کامل، به موضوع بودن روایتی حکم نگردد، هرچند این گونه قضاوت‌های شتاب‌زده و نادرست در آثار بعضی از عالمان و صاحب نظران عرصه حدیث، به ویژه عالمان اهل تسنن (نک: رفیعی، ۱۳۸۴، ص ۲۷۲-۲۷۴) و گاه غیر آنان کم و بیش وجود دارد (نک: رفیعی، ۱۳۸۴، ص ۲۵۲-۲۵۳).

#### ۵. بررسی محتوایی حدیث و برداشت‌های وابسته به اندیشه‌های عرفانی

عارفان، اخلاق پژوهان و مفسرانی که آثارشان رنگ و بوی عرفانی دارد، عموماً در مباحث نفس، هنگام طرح موضوع «مرگ اختیاری» و مبارزه با نفس اماره، به این روایت استناد نموده‌اند. در متون عرفانی و اخلاقی، این حدیث سند یا پشتوانه‌ای است برای تبیین مفهوم «مردن پیش از مرگ طبیعی».

صرف نظر از میزان اعتبار سندی حدیث مذکور، اقبال گسترده از آن در میان صاحبان مکتب تصوف و نویسندگان حوزه سیر و سلوک، نشانگر تأثیر عمیق آن در شکل‌گیری یکی از مفاهیم عرفان اسلامی است. با این حال، همین شهرت و کاربرد گسترده در متون عرفانی، خود می‌تواند یکی از قرائن تأییدکننده نظر کسانی باشد که این حدیث را ساخته و پرداخته صوفیان می‌دانند.

در نگاه عارفان و اهل سلوک اصطلاحی، «مرگ اختیاری» به معنای مقابله با نفس اماره و تسلط کامل بر آن است که بر اساس اعتقاد ایشان، نخستین گام در مسیر بندگی (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۶۲) و بنیادی‌ترین تکلیف سالک محسوب می‌شود. در متون عرفانی، رهایی از قید تعلقات نفسانی و خودپرستی‌ها تحت

عنوان «مرگ ارادی» یا «تجرد اختیاری» توصیف شده است. عرفا معتقدند این نوع مرگ ویژه رهروان طریق الهی است که آگاهانه آن را برمی‌گزینند و بارها می‌میرند و حیات می‌یابند. این دیدگاه در اندیشه صوفیان چنان نهادینه شده است که اکثریت قاطع آنان دستیابی به این مقام روحانی را هم فضیلتی بزرگ و هم امری ممکن می‌دانند (معمدی، ۱۳۷۹، ص ۷۸).

عارفان بر این باورند که هدف اصلی تعالیم اخلاقی، هدایت انسان به سوی شکستن آگاهانه قفس تن پیش از مرگ طبیعی اوست. از دیدگاه ایشان، اگر سالک با اختیار خویش از این قفس رها شود، به آزادی مطلق دست می‌یابد و به هر مقامی که بخواهد خواهد رسید، زیرا در غیر این صورت، او را به قفس دیگری خواهند برد (جوادی آملی، ۱۳۷۷، ج ۲۴، ص ۵). در این نگاه، مرگ اختیاری نه یک اسارت جدید، بلکه دروازه‌ای به سوی آزادی بی‌پایان است (معمدی، ۱۳۷۹، ص ۱۸). چنین انسان سالکی از حسرت‌های پس از مرگ رهایی یافته است و به حیاتی پاک و جاودانه در جوار پروردگار رحمان نائل می‌آید (ابن میثم، ۱۴۰۸، ص ۵). بدین سان، مرگ اختیاری نشانه آزادگان راستین است، حال آن‌که مرگ اجباری سرنوشت غفلت‌زدگان است؛ اولی رجوع به وصال است و دومی رجوع به فراق (خسروانی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۲۰۲).

پیروان این اندیشه معتقدند مفاهیم قرآنی نیز بر این حقیقت تأکید دارند، به این‌گونه که انسان می‌تواند پیش از مرگ طبیعی، با طی مسیر تهذیب نفس شامل توبه، انابه و مهار شهوت و غضب،<sup>۱</sup> به مرگ اختیاری دست یابد (جوادی آملی، ۱۳۷۷، ج ۱۳، ص ۱۰). به بیان دیگر، تلاش مستمر برای تحقق مرگ اختیاری و تولد دوباره در عالم معنوی، به منظور رسیدن به حیات ابدی، اساسی‌ترین مرحله در مسیر سلوک محسوب می‌شود (معرفت، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۳۵۱). در این دیدگاه، حقیقت تهذیب اخلاقی جز با مرگ ارادی حاصل نمی‌گردد (میرزابابا شیرازی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۲۰) و موفقیت در ترک باطل و پیروی از حق، تنها از این مسیر امکان‌پذیر است (نجم رازی، ۱۳۶۱، ص ۳۶۴).

۱. گرچه در متون دینی به کشتن شهوت یا نفس توصیه می‌شود، ولی مراد از این‌گونه تعبیر، مهار شهوت و تمایلات حیوانی است و این چیزی است که حتی اگر مورد تذکر عالمان و اهل معرفت قرار نمی‌گرفت، عقل انسان خود به آن گواهی می‌داد.

## ۶. اعتبارسنجی محتوای حدیث و ارزش‌گذاری تأثیر آن بر نظریه «مرگ

### ارادی»

به نظر، محتوای کلی این حدیث، فارغ از بررسی تطابق آن با قرآن، روایات و اصول عقلی، چنان با فطرت پاک انسان همخوانی دارد که هر قلب سلیمی آن را تصدیق می‌کند. وجدان آدمی گواهی می‌دهد که با رهایی روح از وابستگی‌های دنیوی، تمایلات نفسانی و شهوات حیوانی پیش از فرارسیدن مرگ طبیعی، می‌توان در همین دنیا با از بین بردن حجاب‌های روحی،<sup>۱</sup> پروردگار را مشاهده کرد. چنین بنده‌ای نه منفعلانه در انتظار مرگ می‌نشیند، بلکه با اختیار کامل به استقبال آن می‌رود. این مرگ آگاهانه، در حقیقت، طلعه‌ای است برای حیاتی اصیل که در آن، لذت واقعی زیستن را فقط کسی می‌چشد که از دغدغه مرگ اجباری رها شده باشد. در مقابل، کسانی که اسیر و هراسان از مرگ‌اند، چه بسا برای فرار از این اضطراب، به سراب دنیا پناه می‌برند و غرور ناشی از مواهب مادی، آنان را گام‌به‌گام در ورطه غفلت فرو می‌برد. چنان‌که برخی عرفا نیز بر این نکته تأکید کرده‌اند که اشتیاق به مرگ اختیاری، خواسته‌ای فطری است و انسان باید با رغبتی عاقلانه و شوق عقل و اختیاری کامل در طلب آن باشد (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۹، ص ۶۶۶).

با همه این اوصاف، این‌گونه از معتضدات و شواهد بر اساس مطابقت مضمونی، تا وقتی که مهر تأیید بررسی‌های تاریخی بر آن نخورد، نمی‌تواند راه اثبات صدور یک حدیث را هموار کند. از سوی دیگر، با توجه به آنچه عارفان اسلامی در مورد دلالت حدیث گفته‌اند، نمی‌توان پذیرفت جمله «موتوا قبل أن تموتوا»، هیچ معنای واضح و صریحی ندارد، آن‌چنان‌که برخی این نکته را مطرح کرده‌اند (زاهدی‌فر، ۱۳۹۸، ص ۲۲۹). در منبع اخیر، دلالت عبارت «موتوا قبل أن تموتوا» از نگاه عارفان به‌گونه‌ای نقد شده که گویا آنچه آنان از آن فهمیده‌اند از اساس قابل نقد است، درحالی‌که با توجه به قراین متعدد قرآنی و روایی که البته به‌طور مستقل

۱. برخی از عارفان با استناد به روایات (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۰؛ ابن‌بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۳۲؛ نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۱۲۹) حجاب‌های روحی را به حجاب نورانی و ظلمانی تقسیم کرده و تفسیرهای متعددی از آن دو ارائه نموده‌اند (برای نمونه نک: خمینی، ۱۳۷۱، ص ۵۹۰).

می‌بایست مطرح و بررسی شود، سخن عارفان اسلامی در بحث موت اختیاری، واضح، معقول و پذیرفتنی است، گرچه با توجه به بررسی‌های سندی که در ادامه خواهد آمد، باید گفت حدیث دانستن عبارت مزبور، اشتباهی است که مکرر در نوشته‌های آنان به چشم می‌خورد و در نتیجه آنچه در دانش عرفان اسلامی مبتنی بر این حدیث گفته و پرداخته شده است، ثابت نمی‌شود.

به عبارت دیگر، اگرچه کلیت مضمون این عبارت به معنای مخالفت با شهوات نفسانی، تا حدودی مطابق با قرآن و سنت است، ولی نمی‌توانیم آن را به همان گستره‌ای که این عبارت بیان کرده است، بپذیریم، زیرا در متون اصیل دینی فقط مخالفت با میل نفسانی به محرمات ستوده شده است و مخالفت با میل نفس معیار اصلی قرار نمی‌گیرد، درحالی‌که عرفاً مبتنی بر این دسته از احادیث در مورد عارفان واصل و حقیقی، گفته‌اند: «موت ارادی» نه تنها به معنای مخالفت با نفس و جهاد اکبر محقق شده، بلکه به معنای خاص خود یعنی جداکردن روح از بدن نیز به وقوع پیوسته و حتی برخی معتقدند موت اختیاری برای افرادی که ریاضت می‌کشند، فضیلت مسلم و پیش‌پاافتاده‌ای است (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۷، ص ۳۱۶).

بر اساس گفته برخی دیگر، بعضی در رسیدن به معرفت و شهود عرفانی تا آن‌جا پیش رفته‌اند که چنان‌که ما لباس خویش را از بدن خارج می‌سازیم، آن‌ها با اختیار و اراده، روح خویش را از بدن خود خارج می‌سازند و تا مدتی بدن بدون روح باقی می‌ماند و مجدداً روح خویش را به بدن برمی‌گردانند! به این تصرف و جدا ساختن روح از بدن «مرگ اختیاری» گفته می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۱۷۳).

به تعبیر برخی بزرگان، اگر وجود چنین حالتی را هرچند برای یک نفر (که طبق نقل‌های مطمئن رخ داده است) ممکن دانستیم، جای هیچ گونه شک و شبهه‌ای باقی نخواهد گذارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۳۳. نیز نک: انصاریان، ۱۳۸۷، ص ۲۱۱).

بنابراین گرچه بر اساس آنچه گفته شد و در ادامه نیز بیان خواهد شد، نمی‌توان پذیرفت عبارت «موتوا قبل أن تموتوا» حدیث باشد، ولی مفهوم ویژه و مضمون خاص آن، امری متفاوت از راه‌های تهذیب نفس مسلم شرعی مثل تقویت اراده در صبر بر طاعت، توبه و انابه از حرام‌ها و اماته غضب، حسد، شهوت در غیر مسیر مجاز

آن‌هاست، و بلکه اگر به معنای خاص خود نزد عرفا یعنی تفکیک روح از بدن باشد، اگرچه قبول کنیم در عالم خارج ممکن باشد و محقق شده است، اما قطعاً شاهی از قرآن، سنت، عقل و فطرت بر فضیلت‌انگاری آن ندارد.

## ۷. روش‌شناسی تحلیل مضمونی برای جبران ضعف سندی

با توجه به آنچه گفته شد، ممکن است این سؤال مطرح شود که آیا در مورد روایت مذکور می‌توان مطابقت کلیت مضمون حدیث را با قرآن و سنت، عقل و فطرت، جبران‌کننده ضعف سندی آن دانست؟ در پاسخ باید گفت قوت و درستی سند تنها یکی از شیوه‌ها و گاه تنها یکی از قرینه‌ها برای حکم به اعتبار و بی‌اعتباری روایت است و در بررسی اعتبار صدور روایات، توجه به متن و اتقان محتوای حدیث، اهمیت زیادی در میزان اعتبار آن دارد، به گونه‌ای که این مهم یکی از راه‌های اثبات صدور حدیث نیز محسوب می‌شود.

روشن است که به کارگیری این شیوه، به‌ویژه زمانی از ضرورت بیشتر برخوردار است که راه ارزش‌گذاری سندی و رجالی حدیث کاملاً مسدود شود. محققان شیعه و نویسندگان اهل تسنن نیز تا حدودی در به کارگیری این شیوه برای شناسایی احادیث موضوع هم عقیده‌اند، زیرا در این روش می‌توان از راه قراین متن و مضمون، ضرورت یا عدم ضرورت صدور حدیث را به دست آورد و درباره آن داوری کرد. بر این اساس، بسیاری از حدیث‌شناسان و مجتهدان بزرگ شیعه از دیرباز به اصل اعتباربخشی در پرتو مضمون‌شناسی و متن توجه کامل داشته‌اند (نک: ایزدپناه، ۱۳۷۶) و در کلام آنان، توجه به بلندی محتوا نقش تعیین‌کننده‌ای در این زمینه داشته است (خمینی، ۱۳۷۱، ص ۱۷۰).

همچنین ممکن است گفته شود برای اعتبارسنجی این قبیل روایات، می‌توان به احادیثی استناد کرد که می‌فرمایند «اگر حدیثی به شما رسید و در برابر آن آرامش دل یافتید، پذیرید و چنانچه قلبتان از آن رمید و آن را ناآشنا یافتید، به خدا، پیامبر و عالم آل محمد (ص) واگذارش کنید» (نک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۰۱؛ ابن‌حنبل، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۹۷).

## ۸. بررسی معیارهای مطابقت مضمون برای اعتبار حدیث مرگ اختیاری

به نظر می‌رسد درباره حدیث «مرگ اختیاری» نمی‌توانیم از معیارهای مطابقت مضمونی برای اثبات صدور و جبران ضعف سندی بهره‌مند شویم، زیرا همان‌طور که در مستندات روایی این روش بیان شده است: «اگر حدیثی به شما رسید...»، تا هنگامی می‌توان از ملاک گفته‌شده بهره‌گرفت که حدیث بودن کلام، اثبات شده باشد و سپس در پذیرش معنای آن تردیدها یا نقدهایی مطرح کرد.

بنابراین ناگفته پیداست که مفهوم این قبیل از روایات، آن نیست که هر جمله‌ای که به معصوم (ع) منسوب شود، با ادعای گواهی قلب به صحت آن، لباس حدیث بر قامتش دوخته شود، زیرا در این صورت، زمینه برای ورود انواع آفات به حوزه حدیث بسیار باز خواهد شد (نک: نصیری، ۱۳۹۰، ص ۲۸۷-۲۸۹). به همین دلیل، انتساب جمله‌ای به معصوم (ع) که از لحاظ متن و سند، با معیارهای صحت روایت همخوانی ندارد، ولی مفهوم آن دلپذیر است و به جان می‌نشیند، قضاوتی نادرست است که برخی حدیث‌شناسان به آن مبتلا شده‌اند (برای نمونه نک: نصیری، ۱۳۹۰، ص ۲۸۱-۲۸۴).

بنابراین، منظور از این روش برای اثبات صدور و مراد این دسته از روایات می‌تواند آن باشد که اگر سخنی منتسب به معصوم (ع) تمام شرایط صحت حدیث مانند عدم تعارض با آیات قرآن، روایات و عقل را دارا بود، اما سند ضعیفی داشت، موافقت با قلب سلیم را می‌توان یکی از مؤیدات در حکم به صحت آن حدیث دانست، چون بدیهی است که معیار گواهی قلب، به‌تنهایی در اثبات صدور حدیث از معصوم (ع)، کاربرد نهایی را ندارد، زیرا در این صورت، به‌راحتی می‌توان به قامت بسیاری از عبارات زیبا و دلکشی که با مبانی قرآنی، روایی و عقلی سازگار است، لباس حدیث دوخت.

## ۹. مقایسه رویکرد عرفا و فقیهان در روش تحلیل مضمونی برای اعتبار حدیث

با همه این اوصاف، گفتنی است که گرچه این معیار به «مقبولیت» نزد عرفا مشهور گشته است و بسیار از آن استفاده کردند (نک: موسوی، ۱۳۸۵)، اما مورد استفاده دیگران هم قرار گرفته است، با این تفاوت که روش عرفا در مقام عمل کاملاً متفاوت

است با آنچه برخی فقها و حدیث‌شناسان به نام «مقبولیت» از آن بهره گرفته‌اند. برای نمونه، نزد مجتهدان برای اثبات صدور بر اساس تحلیل مضمونی، می‌توان به شیخ انصاری که سرآمد آنان به شمار می‌رود، اشاره کرد. ایشان در مواردی، روایاتی را صحیح می‌داند که طبق تصریح دیگر علما ضعیف‌السند هستند. به صورت روشن، می‌توان به حدیثی اشاره کرد که ابن‌شعبه حُرّانی در باب تفسیر انواع ولایت، در تحف العقول نقل کرده و شیخ انصاری در ابتدای مکاسب بدان استناد نموده است (نک: انصاری، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۳۰۴).

با توجه به این تفاوت، به نظر می‌رسد مقایسه عبارت «موتوا قبل أن تموتوا» با حدیث تحف العقول و دیگر موارد، نادرست و ناکافی باشد. این ناکارآمدی مقایسه از آن‌جا ناشی می‌شود که شیخ انصاری حدیث مذکور را با مضامین احادیث «باب مکاسب و ولایات» هم‌مضمون می‌داند. به تعبیر دیگر، از ملاک مهم «عرضه مضمونی حدیث با احادیث قطعی» بهره گرفته است.

در رابطه با عبارت مورد بحث ما نیز چنانچه روایاتی قطعی‌الصدور از معصومان (ع) در دست باشند که بتوان به واسطه آن‌ها به این یقین رسید که جمله «موتوا قبل أن تموتوا» از معصوم (ع) صادر شده است، شاید بتوان به حدیث بودن آن اذعان کرد، ولی اشکال اول این است که چنان‌که گذشت، اصل حدیث بودن این عبارت بر اساس منابع حدیثی معتبر ثابت نشده است. اشکال دوم هم این است که رویکرد عرفا در روش به‌کارگیری تحلیل مضمونی حدیث بر اساس گواهی قلبی، قابل اثبات نیست و نتیجه‌هایی دارد که التزام‌پذیر نیستند. اشکال سوم نیز که در ادامه بررسی خواهیم کرد، این است که بر اساس رویکرد صحیح در روش تحلیل مضمونی، هیچ شاهد معتبر و قطعی در متون دینی برای موافقت با آن یافت نمی‌شود. در نتیجه، نمی‌توانیم راهی برای پذیرش آن هموار سازیم.

#### ۱۰. نگاهی به برخی قرائن احتمالی صدور روایت، از آیات و روایات

با توجه به آنچه در روش‌شناسی تحلیل مضمونی برای جبران ضعف سندی اشاره شد و رویکرد عرفا و فقیهان در این زمینه مقایسه گردید، به این ادعا رسیدیم که اگر بر فرض این عبارت را حدیث بدانیم و بخواهیم بر اساس رویکرد صحیح در روش

تحلیل مضمونی آن را بررسی کنیم، هیچ شاهد معتبر و قطعی در متون دینی برای موافقت با آن یافت نمی‌شود و در نتیجه، اعتباری برای آن ثابت نیست. به همین منظور، در ادامه، برخی از مؤیدات قرآنی یا روایی مطرح در این باب را بررسی و نقد خواهیم کرد.

## ۱۰-۱. استشهاد به موافقت با آیات قرآنی

بعضی معتقدند یکی از اصلی‌ترین مستندات صوفیه در بحث موت اختیاری، تفاسیری قرآنی است که توجه دقیقی به نکات ظریف، اشارات و کنایات دارند (چیتیک، ۱۳۸۲ ش، ص ۲۰۹) که در اصطلاح خاص خود، تفسیر انفسی آیات گفته می‌شود.

از مهم‌ترین آیاتی که این مطلب از آن استفاده می‌شود، آیه شریفه ﴿تَتَوَبُّوا إِلَىٰ بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ﴾ (بقره/۵۴) است که در بحث مرگ ارادی، مستند برخی مفسران قرار گرفته است (آملی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۱۰۲).

نمونه دیگر آیه شریفه ﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبُحُوا بَقَرَةً...﴾ (بقره/۶۷) است (نک: نجم رازی، ۱۴۲۵، ص ۴۲)، به این معنا که ذبح بقره را اشاره به ذبح نفس حیوانی دانسته‌اند، چراکه اگر آدمی تعلقات نفسانی خود را زیر پا نهد، قلبش به حیاتی روحانی زنده خواهد شد و این همان معنای «موتوا قبل أن تموتوا» است. برخی از پژوهشگران حوزه تفاسیر عرفانی، چنین نظری را جزو تأویل‌های ذوقی صرف برشمردند (قاسم‌پور، ۱۳۸۱، ص ۳۳۱)، درحالی‌که برخی دیگر این معنا را از برداشت‌های دلکشی می‌شمارند که روح انسان را در دنیاها و دیگر به پرواز درمی‌آورد (شاهرودی، ۱۳۸۳، ص ۲۸۹).

گرچه این‌گونه از برداشت‌های قرآنی که از آن‌ها با عنوان «تأویل» یاد می‌شود و نه تفسیر، اصول و مبانی پذیرفته شده‌ای می‌تواند داشته باشد (نک: جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۳-۲۳۰؛ جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۷۳)، اما از آن‌جا که اصل مبحث از موضوعات اختلافی است و چه بسا نقدهایی به آن وارد باشد، از ذکر آیاتی که با این نگاه، جزء قرائن تأیید مضمون عبارت «موتوا قبل أن تموتوا» به شمار می‌روند، چشم می‌پوشیم و به همین مقدار بسنده می‌کنیم.

در پایان این بخش تأکید می‌کنم که اساساً بنابر نتیجه برخی از پژوهش‌ها صحت متن منافاتی با جعل قطعی ندارد (نک: احمدی، ۱۳۹۱، ص ۶۵) و در پژوهش‌های جدید از علوم حدیث، مواردی نشان داده می‌شود که گرچه خبری از جهت مضمون آسیب آشکاری ندارد، اما در ترکیب آن، جعل و تحریف قطعی صورت گرفته است (برای نمونه نک: لواسانی، ۱۳۹۹، ص ۱۲۵). همچنین برای مثال، غالیان همواره می‌کوشیدند تا با سوءاستفاده از اخبار عرضه، آیات قرآن را دستمایه جعلیات خود قرار دهند، چنان‌که نمونه‌های آن در آثار تأویلی نصیری به‌سیارند (نک: باقری، ۱۳۹۸، ص ۱۲۶).

البته در مواردی این ترکیب و تحریف‌ها لزوماً عمدی نیستند و گاه نتیجه سقط اسناد، پدیده ادراج و خلط حواشی و اخبار دیگران با متن حدیث بوده‌اند. بنابراین موافقت با قرآن، گرچه در عمل راهگشاست، اما به‌تنهایی صدور روایت از معصوم (ع) را ثابت نمی‌کند.

## ۱۰-۲. استشهاد به موافقت با روایات

با جست‌وجوی نگارنده در احادیث معصومان (ع)، کم‌وبیش می‌توان به این نتیجه رسید که در روایات، با زبان‌های مختلف بر مضمون حدیث مورد بحث تأکید شده است.<sup>۱</sup> در این جا تنها به دو مورد مهم‌تر و مطابق‌تر اشاره می‌کنیم و آن‌ها را تا حدودی نقد و بررسی می‌نماییم.

### ۱۰-۲-۱. بررسی استشهاد به روایت اول: «حاسبوا أنفسکم قبل أن تحاسبوا»

عبارت «حاسبوا/حاسبوها [من] قبل أن تحاسبوا» در بسیاری از منابع متقدم آمده است و در ده‌ها منبع عامه مانند سنن ترمذی (۱۴۰۳، ج ۴، ص ۵۴) و مصتَف ابن ابی شیبہ کوفی (۱۴۰۹، ج ۸، ص ۱۴۹) به خلیفه دوم منسوب شده است. از قرن پنجم، ابن‌ودعان تحریری از آن را به ابن عباس نسبت داد (ابن‌ودعان، مخطوط، ص ۲۳) و سید

۱. روایات متعددی هم مضمون با تعبیر «موتوا قبل أن تموتوا» نقل شده است، از جمله: «الناس نیام فإذا ماتوا انتبهوا» (سید رضی، ۱۴۱۴، ص ۱۱۲)؛ «أخرجوا من الدنیا قلوبکم قبل أن تُخرج منها أبدانکم»، (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۱۱۰)؛ «یا بنی آدم، إن کنتم تعقلون فَعُدُّوا أنفسکم من الموتی» (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۳۸)؛ «لن یلج ملکوت السموات والأرض من لم یولد مرثین» (قیصری، ۱۳۷۵، ص ۳۱۵)؛ «کن فی الدنیا کأنک غریب أو عابِر سبیل، وَعَدَّ نفْسک من أهلی القبور» (وزام، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۸۴) و «قد أحیا عقله وأمات نفسه حیّ دقّ جلیله» (دبلی، ۱۴۲۷، ص ۲۲۱).

رضی هم به امیرالمؤمنین (ع) (سید رضی، ۱۴۱۴، خطبه ۹۰)، که وجه هیچ یک معلوم نیست. همچنین برخی آن را به نبی اکرم (ص) نسبت داده‌اند (ابن طائوس، ۱۳۷۶، ص ۱۳؛ نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۲، ص ۱۵۳). نیز این عبارت در بیانی از امام صادق (ع) وارد شده و شیخ مفید آن را در امالی خود آورده است (مفید، ۱۴۱۳، ص ۲۲۹).

این عبارت از آن جهت بر مرگ اختیاری دلالت دارد که به محاسبه قبل از حساب پس از مرگ سفارش می‌کند، به این معنا که آدمی باید به گونه‌ای به اعمال خود حسابرسی نماید که گویا قیامت فرا رسیده است و او باید در پیشگاه عدل الهی پاسخگوی اعمال خود باشد. استناد به این روایت در بحث مرگ ارادی در سخنان برخی مفسران به چشم می‌خورد (آملی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۱۰۲؛ سبزواری، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۱۱۵) و اساساً یکی از معانی مرگ ارادی از نگاه اهل معرفت، محاسبه نفس به صورت دائمی پیش از وقوع قیامت است (رودگر، ۱۳۸۶، ص ۲۰).

برخی مفسران عامه، اصل حدیث را به صورت «حاسبوا أعمالکم قبل أن تحاسبوا وزنوا أنفسکم قبل أن توزنوا وموتوا قبل أن تموتوا...» آورده و این گونه برداشت کرده‌اند که اصلاح نفس عبارت است از مردن از آنچه هست و تولد به آنچه باید باشد، یعنی صدر حدیث را مفسر ذیل آن دانسته‌اند (نسفی، ۱۳۶۳، ص ۱۳۰). برخی دیگر آن را این گونه نقل کرده‌اند: «موتوا قبل أن تموتوا وحاسبوا أنفسکم قبل أن تحاسبوا» (حقی، بی تا، ج ۳، ص ۲۳۰). همچنین در برخی از شروح نهج البلاغه، بدون اسناد به معصوم (ع) آمده است: «و حاسبوا أنفسکم قبل أن تحاسبوا وموتوا قبل أن تماتوا» (بیهقی نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۵).

این در حالی است که چنین نقل‌هایی از این حدیث، در منابع حدیثی شیعه و کتب متقدم اهل تسنن وجود ندارد. از سوی دیگر، چنین برداشتی از آن، صحیح به نظر نمی‌رسد. نکته دیگر این که چه بسا این عبارت از نگاه تاریخی، از جهتی بتواند مضعّف عبارت «موتوا قبل أن تموتوا» هم باشد، زیرا نقل آن از خلیفه دوم تقدم تاریخی دارد.

## ۱۰-۲-۲. بررسی استشهد به روایت دوم از سنن ابن ماجه

در سنن ابن ماجه (م. ۲۳۷ق) که از قدیمی‌ترین مجامع حدیثی اهل تسنن است،

روایتی آمده است که به لحاظ مضمون و سیاق به حدیث مورد بحث شباهت دارد. در این حدیث که به سند کامل نقل شده، آمده است: «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ نُمَيْرٍ حَدَّثَنَا الْوَلِيدُ بْنُ بُكَيْرٍ أَبُو جَنَابٍ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَدَوِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ زَيْدٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: خَطَبَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ تَوُوبُوا إِلَى اللَّهِ قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا وَبَادِرُوا بِالْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ قَبْلَ أَنْ تُشْغَلُوا...» (ابن ماجه، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۴۳).

این مضمون با کمی اختلاف به صورت «تَوُوبُوا إِلَى رَبِّكُمْ قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا» نیز نقل شده است. پیش‌تر به منابع متقدمی که آن را نقل کردند، اشاره کردیم. شباهت مضمون این دو عبارت از آن روست که حقیقت توبه همان مرگ است و چنین معنایی در کلمات محققان از علما وجود دارد، زیرا مرگ در حقیقت، حیاتی جدید و تولد دیگری برای انسان است، زیرا با آن، حیاتی جدید برای تائب حاصل می‌آید که آثارش در اعمال، حرکات و اعراض او از گناهان، شهوات و متاع اندک دنیا مشاهده می‌شود و در نتیجه، با مراقبه و اخلاص، به سوی خداوند سبحان متوجه می‌گردد (آملی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۳۰۶).

### ۱۰-۲-۳. بررسی استشهاد به سایر روایات

ممکن است گفته شود تعبیر «موتوا قبل أن تموتوا» هم آوا و هماهنگ با روایت مذکور و سایر احادیثی است که با همین لحن بیان شده‌اند، مانند «وَأَسْمِعُوا دَعْوَةَ الْمَوْتِ آذَانَكُمْ قَبْلَ أَنْ يَدْعَى بِكُمْ» (سید رضی، ۱۴۱۴، خطبه ۱۱۳) یا کلام دیگری که در خطبه متقین نهج البلاغه نیز آمده است: «لَوْلَا الْأَجَالُ الَّذِي كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ لَمْ تَسْتَقِرَّ أَرْوَاحُهُمْ فِي أَجْسَادِهِمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ» (سید رضی، ۱۴۱۴، خطبه ۱۹۳). بنابراین یکی از قراین متنی وضع حدیث یعنی عدم شباهت با سخن معصومان (ع)، در این جا رخت برمی‌بندد (نک: بستانی، ۱۳۸۶، ص ۳۰۲-۳۰۸). اما با توجه به عدم نقل عبارت «موتوا قبل أن تموتوا» در منابع متقدم، و از سوی دیگر، وجود حدیث «توبوا إلى الله قبل أن تموتوا» در قدیمی‌ترین منابع اهل تسنن، صرف شباهت این تعابیر در این جا نه تنها به اعتبار بخشی عبارت «موتوا قبل أن تموتوا» کمک نمی‌کند، بلکه احتمال تصحیف یا تحریف را تقویت می‌نماید (فلاته، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۳۰۵-۳۰۶).

از این رو، برخی حدس زده‌اند که عرفا صورت این روایت را به شکل «موتوا قبل أن تموتوا» تغییر داده و عدم نقل صورت صحیح حدیث یعنی «توبوا إلى الله قبل أن تموتوا» در کتب عرفانی را مؤید حدس مذکور دانسته‌اند (زاهدی فر، ۱۳۹۸، ص ۲۲۹). اما این نظر نیز قابل نقد است، زیرا اولاً شکل ابتدایی حدیث، «توبوا إلى الله قبل أن تموتوا» بوده است نه «توبوا قبل أن تموتوا» و بدیهی است که احتمال تغییر ترکیب حدیث درباره نقل دوم آن بیشتر می‌رود. ثانیاً این سخن که صورت صحیح حدیث، در هیچ یک از کتب عرفانی جز احياء علوم الدین غزالی مورد استشهاد قرار نگرفته، قابل مناقشه است، زیرا ابن عربی (۱۴۲۸، ج ۴، ص ۵۲۱ و ۵۴۱) در دو موضع از کتاب فتوحات آن را نقل کرده است.

همچنین در برخی دیگر از تفاسیر عرفانی قرن شش می‌توان روایت مذکور را دید (میلیدی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۴۰۸؛ رسعی، ۱۴۲۹، ج ۹، ص ۳۵۶). بنابراین چنین سخنی به یقین می‌بایست به فحوصی گسترده‌تر مستند باشد. اما از سوی دیگر، ممکن است بتوان گفت چون کهن‌ترین متنی که این عبارت به عنوان حدیث نبوی در آن به کار رفته، ختم الاولیاء حکیم ترمذی است، احتمال مذکور تقویت می‌شود، زیرا این کتاب کاملاً صبغه عرفانی دارد (ترمذی، ۱۴۲۲، ص ۵۰۴).

نکته پایانی در این بخش، آن است که حتی سند حدیث «توبوا إلى الله قبل أن تموتوا» به قضاوت برخی از حدیث‌شناسان اهل تسنن، به دلیل وجود «علی بن زید بن جدعان» و «عبدالله بن محمد عدوی» ضعیف است (ابن ماجه، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۴۳).

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مؤیدات از تفسیر آیات و روایات متعددی وجود دارد که می‌تواند با کلیت مضمون عبارت «موتوا قبل أن تموتوا» دارای قرابت باشد و شاید بتوان گفت برخی از آن‌ها دقیقاً بیان‌کننده همین تعبیرند. اما آن مؤیدات نمی‌توانند موجب اعتبار صدوری این عبارت باشند، زیرا با بررسی منابع گوناگون حدیثی و تاریخی به این نتیجه رسیدیم که اصل حدیث بودن این عبارت قابل اثبات نیست تا بتوانیم معیار مطابقت مضمونی را بر آن به کار ببندیم.

مضافاً بر آن که آنچه از تفاسیر یا روایات که به عنوان شاهد و مؤید مطرح شده است، همگی محل مناقشه و نیازمند بررسی‌های دلالی و متنی‌اند. اگرچه نمی‌توان گفت کلیت مضمون این حدیث و آنچه عارفان اسلامی در معنای این جمله در نوشته‌ها و گفته‌هایشان آورده‌اند، نادرست است، زیرا فضیلت درک عوالم بعد از مرگ و برطرف شدن حجاب‌ها پیش از مرگ طبیعی بدن، امری پذیرفتنی است، ولی روش عرفا در بهره‌مندی از معیار مقبولیت به گواهی قلبی بر مضمون حدیث، متفاوت از روش فقیهان است و سازگار با مستندات روایی این معیار هم نیست.

به یقین گستره معنایی این حدیث به عنوان معیار اصلی در سیر بندگی و عبودیت و تفسیرهای خاصی که عرفا ذیل آن بیان کرده‌اند، از جمله تجرید روح و مرگ اختیاری، نمی‌تواند ارتباطی با استنادات و شواهد قرآنی یا روایی داشته باشد. با وجود این و بدون توجه به مباحث مضمونی حدیث، بررسی‌های سندی، تاریخی و توجه به نقل‌های مشابه، نشان می‌دهد نسبت این تعبیر به پیامبر (ص) یا امیرالمؤمنین (ع) اشکالات تاریخی دارد.

احتمال تصحیف یا تحریف حدیث «توبوا إلى الله قبل أن تموتوا» به «موتوا قبل أن تموتوا» سخنی است که اگرچه برخی بررسی‌های حدیث‌شناختی، آن را تقویت می‌کنند، ولی با جست‌وجوی بیشتر به نظر می‌رسد اثبات آن سازگار با شواهد نیست.

پیشنهاد می‌شود پژوهشگران عرصه ی حدیث، با توجه به گستردگی بهره‌مندی از احادیث در متون عرفانی و آسیب‌های روشی عارفان در حدیث‌شناسی - که این مقاله به اثبات یکی از نمونه‌های مهم آن پرداخته بود - در نمونه‌های دیگر نیز این مطالعات را گسترش دهند.

همچنین پیشنهاد می‌شود پژوهشگران عرفان اسلامی، با توجه به بازنگری‌های انتقادی متعدد و فراوانی که در مستندات روایی متون عرفانی انجام شده است، به بررسی آثار و نتیجه‌های این تحقیقات بپردازند و به صورت جزئی تبیین کنند که اثبات جعلی بودن احادیث مورد استناد برخی متون عرفانی، چه تغییراتی در نظام و

مبانی یا ریزمسائل عرفان اسلامی داشته است یا می‌تواند داشته باشد.

## سپاسگزاری

از اساتید گرانقدرم که در تدوین، تقویت و رفع نواقص این مقاله از دانش آن‌ها بهره گرفته شد، به ویژه آیت الله حاج مهدی مروارید، حجج اسلام سید علی دبیری و محمد حسن ربانی بیرجندی (دامت برکاتهم)، کمال تشکر را دارم.

## فهرست منابع

۱. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین. (۱۳۸۷ش). مجلی مرآة المنجی فی الکلام والحکمتین والتصوف. مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران: تهران.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۲ش). الخصال، (ج ۱، مصحح: علی اکبر غفاری). قم: جامعه مدرسین.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۶ش). الأمالی. تهران: کتابچی.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۸۵ش). علل الشرائع. قم: کتابفروشی داوری.
۵. ابن باغندی، محمد بن محمد. (۱۴۰۴ق). مسند عمر بن عبدالعزیز. دمشق: مؤسسة علوم القرآن.
۶. ابن حجر، احمد بن علی عسقلانی. (۱۹۹۷م). الإمتاع بالأربعین المتباینة السماع، (ج ۱، محقق: محمد حسن شافعی). بیروت: دار الکتب العلمیة.
۷. ابن حنبل، احمد. (بی تا). المسند. بیروت: دار صادر.
۸. ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۳۷۶ش). محاسبة النفس، (مصحح: شهید ثانی، زین الدین بن علی؛ کفعمی، ابراهیم بن علی). نشر مرتضوی: تهران.
۹. ابن عربی، محمد بن علی. (۱۴۲۸ق). الفتوحات، (ج ۴). بیروت: دار صادر.
۱۰. ابن ماجه، محمد بن یزید. (۱۳۷۲ق). سنن ابن ماجه، (ج ۳، محقق: محمد فؤاد عبدالباقی). بیروت: دار احیاء الکتب العربیة - دارالفکر.
۱۱. ابن میثم، میثم بن علی. (۱۴۰۸ق). اختیار مصباح السالکین، (محقق: محمد هادی امینی). مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۱۲. ابن ودعان، ابومنصور. (مخطوط الشاملة). الأربعون. بی جا.
۱۳. ابونعیم، احمد بن عبدالله. (۱۴۰۵ق). حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء. بیروت: دار الکتب العربی.
۱۴. احمدی نورآبادی، مهدی. (۱۳۹۳ش) عرضه حدیث بر قرآن. قم: موسسه دارالحديث.
۱۵. انصاری، مرتضی بن محمد امین. (۱۴۱۹ق). فرائد الاصول. قم: مجمع الفکر الاسلامی.

۱۶. انصاریان، حسین. (۱۳۸۷ش). حدیث عقل و نفس آدمی در قرآن. قم: دارالعرفان.
۱۷. ایزدپناه، عباس. (۱۳۷۶ش). اثبات صدور حدیث از طریق مضمون‌شناسی و متن. علوم حدیث، شماره ۴، تابستان ۱۳۷۶.
۱۸. آلوسی، سید محمود. (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دارالکتب العلمیة.
۱۹. آملی، حیدر بن علی. (۱۴۲۲ق). تفسیر المحيط الأعظم والبحر الخضم. تهران: انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۲۰. باقری، حمید. (۱۳۹۸ش). نصیریة و انتقال میراث حدیثی غالیان کوفه به شام، بررسی موردی آثار منسوب به محمد بن سنان. علوم حدیث، ۲۴ (۹۱). ۱۲۵-۱۴۷.
۲۱. بستانی، قاسم. (۱۳۸۶ش). معیارهای شناخت احادیث ساختگی. اهواز: نشر ریش.
۲۲. بغدادی، اسماعیل پاشا. (۱۹۵۱م). هدیة العارفین، أسماء المؤلفین و آثار المصنفین. استانبول: المعارف الجلیلة.
۲۳. بقلی شیرازی، روزبهان. (۱۴۲۸ق). العرف العاطر فی معرفة الخواطر و غیرها من الجواهر (تقسیم الخواطر)، (تحقیق: احمد فرید المزیدی). قاهره: دار الآفاق العربیة.
۲۴. بیهقی نیشابوری کیدری، محمد بن حسین. (۱۳۷۵ش). حدائق الحقائق فی شرح نهج البلاغه. قم: بنیاد نهج البلاغه.
۲۵. ترمذی، محمد بن عیسی. (۱۴۰۳ق). السنن. بیروت: دار الفکر.
۲۶. ترمذی، حکیم. (۱۴۲۲ق). ختم الاولیاء، (تحقیق عثمان یحیی). بیروت: مهد الآداب الشرقیة.
۲۷. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۷ش). تفسیر موضوعی قرآن مجید، (ج ۱۳؛ مراحل اخلاق در قرآن). قم: اسراء.
۲۸. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۷ش). تفسیر موضوعی قرآن مجید، (ج ۲۴؛ مبادئ اخلاق در قرآن). قم: اسراء.
۲۹. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۵ش). نسیم اندیشه. قم: نشر اسراء.
۳۰. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶ش). منزلت عقل در هندسه معرفت دینی. قم: نشر اسراء.
۳۱. چیتیک، ویلیام. (۱۳۸۲ش). درآمدی بر عرفان و تصوف اسلامی، (مترجم: جلیل پروین). تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.
۳۲. حسن زاده آملی، حسن. (۱۳۷۹ش). عیون مسائل النفس و سرح العیون فی شرح العیون. تهران: امیرکبیر.
۳۳. حقی، اسماعیل بن مصطفی. (بی تا). روح البیان. بیروت: دار الفکر.
۳۴. ختمی لاهوری، عبدالرحمن بن سلیمان. (۱۳۷۴ش). شرح عرفانی غزلهای حافظ، (تصحیح: بهاء الدین خرمشاهی). تهران: نشر قطره.

۳۵. خسروانی، علیرضا. (۱۳۹۰ق). تفسیر خسروی. تهران: انتشارات اسلامیة.
۳۶. خمینی، سید روح الله. (۱۳۷۱ش). شرح چهل حدیث. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳۷. خوئی، حبیب الله بن محمد هاشم. (۱۴۰۰ق). منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة، (مترجم: حسن حسن زاده آملی؛ محمدباقر کمره ای). تهران: المكتبة الإسلامية.
۳۸. رسعی، عبدالرزاق بن رزق الله. (۱۴۲۹ق). رموز الكنوز فی تفسیر الكتاب العزیز. مکه مکرمه: مكتبة الاسدی.
۳۹. رفیعی محمدی، ناصر. (۱۳۸۴ش). درسنامه وضع حدیث. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۴۰. رودگر، محمد جواد. (۱۳۸۶ش). مرگ اختیاری. قیسات، ۱۲ (۴۶)، ۱۰۷-۱۳۰.
۴۱. زاهدی فر، سیفعلی. (۱۳۹۸ش). اعتبارسنجی حدیث «مُوتُوا فَبَلَّ أَنْ تَمُوتُوا». حدیث پژوهی، ۱۱ (۲۲)، ۲۳۸-۲۲۳. <https://doi.org/10.22052/0.22.223>
۴۲. زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۴ش). سرنی (نقد و شرح تطبیقی و تفسیری مثنوی). تهران: انتشارات علمی.
۴۳. سبزواری، عبدالاعلی. (۱۴۰۹ق). مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه اهل بیت (ع).
۴۴. سبزواری، هادی بن مهدی. (۱۴۲۱ق). شرح نبراس الهدی فی أحكام الفقه وأسرارها، (مصحح: محسن بیدارفر). قم: نشر بیدار.
۴۵. سبزواری، هادی بن مهدی. (بی تا). شرح أسماء الحسنی. قم: مكتبة بصیرتی.
۴۶. سنایی، مجدود بن آدم. (۱۳۸۷ش). حدیقة الحقیقة و شریعة الطریقة، (مصحح: محمدتقی مدرس رضوی). تهران: دانشگاه تهران.
۴۷. سید رضی، محمد بن حسین. (۱۴۰۶ق). خصائص الائمة علیهم السلام. مشهد: آستان قدس رضوی.
۴۸. سید رضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴ق). نهج البلاغة، (تصحیح: صبحی صالح). قم: هجرت.
۴۹. شاهرودی، عبدالوهاب. (۱۳۸۳ش). ارغنون آسمانی. رشت: کتاب مبین.
۵۰. شیرازی، صدرالدین محمد بن ابراهیم. (۱۳۵۴ش). مبدا و معاد، (مصحح: جلال الدین آشتیانی). تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران.
۵۱. شیرازی، صدرالدین محمد بن ابراهیم. (۱۳۶۶ش). تفسیر القرآن الکریم. قم: نشر بیدار.
۵۲. شیرازی، صدرالدین محمد بن ابراهیم. (۱۳۸۳ش). شرح أصول الکافی. (مصحح: محمد خواجوی). تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۵۳. طوسی، نصیرالدین محمد بن محمد. (۱۳۳۵ش). آغاز و انجام. تهران: دانشگاه تهران.
۵۴. عبدالوهاب. (۱۳۹۰ش). شرح کلمات امیر المؤمنین علیه السلام. تهران: میر جلال الدین الحسینی الارموی.

۵۵. عجلونی، اسماعیل بن محمد. (بی‌تا). کشف الخفاء و مزیل الالباس عما اشتهر من الاحادیث علی السنة الناس. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵۶. غیاثی کرمانی، سید محمد رضا. (۱۳۷۵ ش). حکمت عملی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵۷. فتال نیشابوری، محمد بن احمد. (۱۳۷۵ ش). روضة الواعظین و بصیرة المتعظین. قم: انتشارات رضی.
۵۸. فضولی بغدادی، محمد بن سلیمان. (بی‌تا). دیوان فارسی، (تصحیح حسیبه مازی اغلو). تهران: کنگره بزرگداشت حکیم محمد فضولی.
۵۹. فلاته، عمر بن حسن عثمان. (۱۴۰۱ ق). الوضع فی الحدیث. دمشق: مكتبة الغزالی.
۶۰. فناری، محمد بن حمزه. (۱۳۷۴ ش). مصباح الأنس، (مصحح: محمد خواجه‌ای). تهران: انتشارات مولی.
۶۱. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. (۱۳۸۰ ش). سراج السالکین (منتخب مثنوی معنوی)، (محقق: جویا جهانبخش). تهران: میراث مکتوب.
۶۲. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. (۱۴۰۶ ق). الوافی. اصفهان: کتابخانه امام امیر المؤمنین علی (ع).
۶۳. قاسم‌پور، محسن. (۱۳۸۱ ش). پژوهشی در جریان شناسی تفسیر عرفانی. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری ثمین.
۶۴. قاوقچی طرابلسی، محمد بن خلیل. (۱۳۳۱ ق). اللؤلؤ المرصع، (تصحیح محمد کمال الدین). بی‌جا: مطبعة البارونیه.
۶۵. قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۳ ش). تفسیر القمی، (مصحح: سید طیب موسوی جزایری). قم: دار الکتاب.
۶۶. قیسری، داوود بن محمود. (۱۳۷۵ ش). شرح فصوص الحکم، (به کوشش سید جلال الدین آشتیانی). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۶۷. کحالة، عمر رضا. (۱۴۱۴ ق). معجم المؤلفین تراجم مصنفی الکتب العربیة. بیروت: مؤسسة الرسالة.
۶۸. الکسی، عبد بن حمید (۱۴۰۸ ق). منتخب مسند عبد بن حمید (تحقیق: السید صبحی البدری و محمود محمد خلیل الصعیدی). بیروت: مكتبة النهضة العربیة.
۶۹. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ق). الکافی، (تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی). تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۷۰. کاشانی، محمد بن مرتضی. (۱۴۱۰ ق). تفسیر المعین. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.

۷۱. گوهرین، صادق. (۱۳۶۲ش). فرهنگ لغات و تعبیرات مثنوی. تهران: زوار.
۷۲. گیلانی، عبدالرزاق بن محمد هاشم، (مترجم و شارح). (۱۳۷۷ش). مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه (منسوب به امام جعفر صادق (ع). مصحح: رضا مرندی). تهران: نشر پیام حق.
۷۳. لاهیجی، محمد بن یحیی. (۱۳۷۱ش). مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز. تهران: نشر علم.
۷۴. لواسانی، سید محمد رضا. (۱۳۹۹ش). تجميع اخبار اخلاقی در حدیث یا اباذر. مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، ۲۶ (۶۷)، ۱۵۶-۱۲۵.
۷۵. مازندرانی، محمد صالح بن احمد. (۱۳۸۲ش). شرح الکافی، (مصحح: ابوالحسن شعرانی). تهران: المكتبة الاسلامية.
۷۶. مالکی، محمد الأمير الكبير. (۱۴۰۹ق). النخبة البهية فی الأحادیث المکذوبة علی خير البرية. بيروت: المكتب الإسلامي.
۷۷. مالکی، محمد امير كبير. (بی تا). النخبة البهية فی الأحادیث المکذوبة علی خير البرية. بيروت: المكتب الإسلامي.
۷۸. محاسبی، حارث. (۱۳۹۱ق). رسالة المسترشدين (تحقیق: عبدالفتاح أبوغدة). بيروت: دار السلام.
۷۹. مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۹۴ش). پیش نیازهای مدیریت اسلامی. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۸۰. مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰ش). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۸۱. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹ش). مجموعه آثار. تهران: صدرا.
۸۲. معتمدی، مسعود. (۱۳۷۹ش). زندگی در زندگی. همدان: نشر دانشجو.
۸۳. معرفت، محمد هادی. (۱۳۷۹ش). تفسیر و مفسران، (ترجمه گروه مترجمان). قم: التمهيد.
۸۴. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). الأمالی، (تصحیح حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری). قم: کنگره شیخ مفید.
۸۵. موسوی، علی عباس. (۱۳۸۵ش). فقه الحدیث از دیدگاه عرفا، (مترجم: عبدالرضا پورمطلوب). علوم حدیث، شماره ۳۹.
۸۶. الموصلی، أحمد بن علی. (۱۴۱۲ق) مسند ابی یعلی (تحقیق: حسین سلیم أسد). بيروت: دارالمأمون للتراث.
۸۷. میرزابا شیرازی، ابوالقاسم بن عبد النبی. (۱۳۶۳ش). مناهج أنوار المعرفة فی شرح مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقه، (تحقیق محمد جعفر باقری). تهران: خانقاه احمدی.
۸۸. میبدی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱ش). کشف الأسرار و عدة الأبرار. تهران: امیرکبیر.

۸۹. نجم رازی، عبدالله بن محمد. (۱۳۶۱ش). مرصاد العباد. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۹۰. نسفی، عزیزالدین بن محمد (۱۳۶۳ش). زبدة الحقایق. تهران: کتابخانه طهوری.
۹۱. نصیری، علی. (۱۳۹۰ش). روش شناسی نقد احادیث. قم: نشر وحی و خرد.
۹۲. نوری، حسین بن محمد. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۹۳. وزّام، مسعود بن عیسی. (۱۴۱۰ق). تنبیه الخواطر و نزهة النواظر. قم: کتابخانه فقیه.
۹۴. هروی قاری، علی بن سلطان محمد. (بی تا). المصنوع فی معرفة الحديث الموضوع، (تحقیق عبدالفتاح ابو غدة). حلب: مكتبة المطبوعات الإسلامية.

